



درس فراه فقہ استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: القول فیما یجب فیہ الخمس - الخامس: ما یفضل عن مؤونة السنة
 تاریخ: ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۵
 موضوع جزئی: مسئله یازدهم - مطلب دوم: مطابقت مؤونه با شأن (قول سوم)
 مصادف با: ۲۹ رجب ۱۴۳۷
 سال ششم
 جلسه: ۱۰۰

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در بحث از اینکه مؤونه باید مطابق با شأن شخص باشد، عرض کردیم که سه قول وجود دارد؛ یک قول این بود که شرط است در آنچه که در معاش خود و عیالش صرف می‌شود، بیش از مقدار متعارف نباشد، اعم از اینکه در امور دنیوی باشد یا در امور اخروی؛ قول دوم اعتبار این شرط در امور دنیوی دون الاخروی بود، اشکالات این قول هم بیان شد.

قول سوم

قول سوم تفصیل دیگری است که مرحوم شیخ از مناهل نقل کرده و آن هم تفصیل بین چیزهایی که شرعاً یا عادتاً لازم و ضروری هستند و صرف در آنها اجتناب ناپذیر است و بین آن چیزهایی که شخص در آنها مخیر است یعنی هم می‌تواند آن هزینه‌ها را انجام دهد و هم می‌تواند انجام ندهد.

طبق این قول در مؤونه مستثناة یک خصوصیت دیگری غیر از آنچه که در قول اول و دوم مطرح شد، معتبر است؛ در قول اول و دوم گفته شد مؤونه‌ای از وجوب خمس استثناء شده است که متناسب با شأن و موقعیت آن شخص باشد. در قول اول این خصوصیت به نحو مطلق معتبر دانسته شد اما در قول دوم بین امور دنیوی و امور اخروی تفصیل داده شد. لکن در این قول اساساً مسأله شأن و کونها لاتقاً بحاله مطرح نیست، بلکه می‌گوید آن هزینه‌هایی که لازم و ضروری هستند از وجوب خمس استثناء شده‌اند. حالا یا شرعاً لازم هستند یا عرفاً. آنهایی که شرعاً لازم است مثل نذری که باید ادا شود، یا کفاره‌ای که باید پرداخت شود، یا هزینه‌ای که باید برای سفر حج واجب باید پرداخت شود. اینها همه مواردی است که شرعاً لازم است هزینه شود. یک مواردی هم عادتاً باید هزینه شود و اجتناب ناپذیر است؛ اینطور نیست که شخص به اختیار خودش این کار را انجام دهد، مثل هزینه‌ای که برای خوراک و پوشاک، اینها از وجوب خمس استثناء شده‌اند.

اما غیر از اینها که لازم و ضروری نیست؛ یعنی یک هزینه‌ای است که نه شرعاً لازم است و نه عادتاً بلکه شخص مخیر است و اگر انجام ندهد مشکلی ایجاد نخواهد شد؛ نه در بین عرف و نه در شرع ضرورتی برای این هزینه‌ها نیست. این موارد از وجوب خمس استثناء نشده‌اند. دقت کنید فرق بین این تفصیل و تفصیل در قول دوم و نیز قول اول چیست؟

فرق قول سوم با قول اول و دوم

اصل این خصوصیتی که در قول اول و دوم معتبر شده «کون المؤونه لاتقاً بحاله» یا «کون المؤونه لازماً علیه شرعاً او عادتاً»؛ این دو چه فرقی دارند؟ اینکه ما بگوییم هزینه‌هایی که مطابق شأن اوست و متعارف است، استثناء شده یا اینکه بگوییم هزینه‌هایی که لازم و ضروری است استثناء شده اینها چه فرقی دارند؟

عنایت بفرماید اینجا این دو عنوان با هم قطعاً متفاوت هستند، این دو مورد، دو عنوان متساوی نیستند. اگر چیزی شرعاً لازم باشد، عنوان «کون المؤمنة لائقاً بحاله» هم بر آن منطبق است. پس در یک مواردی اینها متصادق هستند. در برخی موارد هم هر دو عنوان صادق نیستند، مثلاً اگر چیزی مطابق شأن او باشد ولی غیر لازم باشد شرعاً یا عادتاً؛ البته مواردی که لزوم شرعی دارد آنها اجتناب ناپذیر هستند یا حتی عادتاً؛ ولی یک مواردی است که ضرورت شرعی یا عرفی ندارد اما مطابق شأن است. یعنی شخص مخیر است که انجام دهد مثلاً توسعه متعارف، توسعه متعارف را از مؤونه محسوب کرده‌اند، حالا توسعه متعارف قطعاً از مواردی است که شخص در آن مخیر است و لزوم شرعی یا عرفی ندارد.

پس می‌توانیم بگوییم نسبت این دو عنوان عموم و خصوص مطلق است یعنی مواردی است که عنوان «کون المؤمنة لائقاً بحاله» و عنوان «کون المؤمنة لازماً علیه» هر دو بر آن مورد منطبق است، مثل خوراک و پوشاک ضروری. اما یک مواردی است که عنوان «کون المؤمنة لازماً علیه شرعاً او عادتاً» بر آن منطبق نیست ولی عنوان «کون المؤمنة لائقاً بحاله» بر آن منطبق است.

لذا اگر بخواهیم فرق قول سوم را با قول اول و دوم بیان کنیم باید بگوییم نسبت خصوصیت معتبر بنا بر قول سوم و خصوصیت معتبر بنا بر قول اول و دوم، نسبت عموم و خصوص مطلق است.

سوال: ممکن است بگوییم نسبت آنها عموم و خصوص من وجه است چون در امور اخروی چه بسا بتوان گفت همه مستحبات لازم هستند شرعاً بنا بر تفسیری که در گذشته ارائه شد.

استاد: قطعاً هم در امور دنیوی عموم خصوص مطلق است و هم در امور اخروی عموم خصوص مطلق است با یک دایره خیلی وسیع تر. چون بر عنوان «کل ما کان لازماً علیه شرعاً» قطعاً عنوان «کونه لائقاً بحاله» در امور اخروی منطبق است ولی عنوان «کونه لازماً علیه شرعاً یا عادتاً» بر این همه سفرهای زیارتی مستحب و غیره منطبق نیست. پس از یک حیث توسعه و وسعت قول دوم بیشتر از قول اول است لذا نسبت در مجموع همان عموم و خصوص مطلق است ولی در قول دوم در دایره امور اخروی این عمومیت بسیار گسترده تر است. پس نسبت اینها می‌شود نسبت عموم و خصوص مطلق.

دلیل قول سوم

دلیلی که می‌توان به آن استدلال کرد این است که مؤونه از نظر عرفی بر چیزهایی که برای شخص لازم و ضروری است صدق می‌کند. اصلاً معنای مؤونه از نظر عرف این است. قبلاً هم اشاره کردیم وقتی دلیل می‌گوید «الخمس بعد از المؤمنة» معنای آن این است که آن چیزهایی که شخص برای زندگی‌اش لازم است، حالا چه در زندگی عادی و چه در زندگی دینی. اینها استثناء می‌شود و خمس در زائد بر این مقدار واجب می‌شود. از نظر عرف مؤونه به این معنا است، این عمده دلیلی است که می‌توان برای این قول ذکر کرد که اساساً ما لم یکن لازماً علیه شرعاً او عادتاً از مصادیق مؤونه نیست. چیزی که شخص مخیر است در آن بین انجام و ترک، این از مصادیق مؤونه به حساب نمی‌آید. اصلاً از عنوان مؤونه پیداست که، یعنی هزینه‌های لازم و ضروری. هزینه‌هایی که معاش شخص و عیالش بر آن متوقف است. این شامل خوراک و پوشاک و مسکن و این‌ها می‌شود.

سوال:

استاد: ما دیروز این سؤال را پاسخ دادیم. شما می‌فرمایید این محدود کردن است! بحث ما در این است که چه مؤونه‌هایی از فایده‌های حاصله برای این شخص استثناء می‌شود. فرض می‌کنیم اگر این آدم یک مدرسه بسازد این مطابق شأن اوست. حالا از قضا یک سود بسیاری به دست این آقا رسید حالا ایشان می‌خواهد به جای یک مدرسه، ده مدرسه بسازد، این امر مانعی ندارد لکن بحث این است که آیا این مقداری که هزینه می‌کند اینها همه جزء مؤونه حساب می‌شود که نهایتاً از خمس معاف شود یا اینکه جزء اینها نیست؟ ما عرض کردیم این هزینه‌ها ولو در امور اخروی، اگر زائد بر متعارف و موقعیت و شأن او باشد، اینها جزء هزینه‌های مستثناة نیست بلکه متعلق خمس است. این آقا می‌خواهد کار خیر کند اشکالی ندارد، این آقا به جای اینکه ده مدرسه بسازد، شش مدرسه بسازد و هزینه چهار مدرسه دیگر را بدهد برای صاحبان خمس، این پرداخت خمس واجب است و باید ادا کند.

بررسی دلیل قول سوم

قول سوم هم به نظر ما صحیح نیست، مستدل می‌گوید: عنوان مؤونه بر چیزی منطبق است که لازم و ضروری باشد؛ یعنی از نظر عرف مخارج غیر لازم شرعاً او عادتاً جزء مؤونه به حساب نمی‌آید. لذا الخمس بعد المؤونه شامل آنها نمی‌شود. اشکال این مطلب هم با توجه به آنچه که قبلاً گفتیم واضح و روشن است. از نظر عرف قطعاً این چنین نیست. از نظر عرف هزینه‌هایی که شخص انجام می‌دهد چه لازم باشد و چه لازم نباشد، همه عنوان مؤونه بر آن صدق می‌کند. البته به شرط آن که مطابق شأن او باشد.

نتیجه

پس در امر ثانی که محل بحث ما بود مبنی بر اینکه آیا مؤونه باید خصوصیتی داشته باشد تا از خمس معاف باشد، نتیجه این شد که مؤونه باید مطابق با شأن و موقعیت شخص باشد. یعنی همان قول اول و قولی که امام (ره) و مرحوم سید هم اختیار کرده‌اند.

تا اینجا دو مطلب از سه مطلب مسئله یازدهم را توضیح دادیم، فقط یک نکته‌ای اینجا امام در متن تحریر فرموده اند عنایت بفرمایید. در قسمت دوم که مطلب دوم را بیان کرده اند امام فرموده اند: «نعم يعتبر فيما ذكر الاقتصار على اللائق بحاله دون ما يعد سفحاً و سرفاً» یعنی در استثناء مؤونه اکتفا بشود بر آن مقداری که لائق به حال او و مطابق شأن اوست نه آن مقداری که عنوان سفاهت و اسراف بر آن منطبق است. یعنی هزینه‌هایی که اسراف باشد یا سفیهانه باشد، مثل پولی که دست بچه بدهیم و او برای پول ارزش قائل نیست و همه را مصرف می‌کند. چه آن چیزی را می‌خرد لازم داشته باشد یا نداشته باشد. معنای اسراف هم معلوم است یعنی بیش از حد متعارف هزینه کند. «فلو زاد على ذلك لايحسب منها»، اگر زائد بر این مقداری که مطابق شأن اوست هزینه کند، این از مؤونه محسوب نمی‌شود.

آن اضافه‌ای که امام در متن تحریر دارند این است که «بل الاحوط مراعاة الوسط من المؤونه المناسبة لمثله»، احوط آن است که حد وسط را در مؤونه رعایت کنیم، حد وسط از مؤونه‌ای که مناسب با مثل اوست. قبل از آن فرمودند: «يعتبر الاقتصار على اللائق بحاله»، اینجا می‌فرماید بلکه احوط آن است که حد وسط را رعایت کند.

فرق این دو چیست؟ اول می‌فرماید: «يعتبر فيما ذكر الاقتصار على اللائق بحاله»، الان می‌فرماید: «بل الاحوط مراعات الوسط من المؤونة المناسبة لمثله» یعنی حد متوسط مؤونه مطابق با امثال خودش را رعایت کند این به چه معناست. ببینید فرق این است که مسأله شأن و اینکه هزینه‌ها مطابق با شأن و موقعیت او باشد، این خودش مراتب دارد، یک حد ادنا دارد، یک حد اعلی دارد و یک حد وسط دارد، اینطور نیست هزینه‌های مطابق با شأن فقط یک مرتبه داشته باشد، امام می‌فرماید در همان هزینه‌های مطابق با شأن هم حد وسط را رعایت کند، احوط آن است که حد وسط از مؤونه مناسب با مثل خودش را رعایت کند، حد وسط را رعایت کند.

«الحمد لله رب العالمين»